صدقه و انفاق
راهی برای نجات فرد و جامعه

سیدمهدی حسینی‌تبار

انسان در جست‌وجوی حقیقت و کمال همواره به دنبال راه‌هایی بوده است که او را به مبدأ هستی و سرچشمه خیر و نیکی نزدیک‌تر کند. در سنت اسلامی، تقرب به خداوند به‌عنوان غایت نهائی حیات انسانی مطرح است و راه‌های متعددی برای نیل به آن در منابع دینی معرفی شده است. در میان این راه‌ها، صدقه و انفاق جایگاهی ویژه دارد؛ چراکه نه‌تنها بر بُعد فردی و معنوی انسان تأثیر می‌گذارد، بلکه کارکردی اجتماعی نیز داشته و به استحکام روابط انسانی و کاهش آلام محرومان منجر می‌شود. از منظر قرآن کریم، صدقه و انفاق عملی است که فراتر از یک وظیفه اخلاقی، به مثابه عبادتی بزرگ تلقی می‌شود و نشانه صداقت ایمان فرد در برابر خداوند به شمار می‌آید. انفاق و بخشش، علاوه‌بر آثار فردی، پیوندی عمیق میان انسان و جامعه برقرار می‌سازد و زمینه‌ساز رشد اخلاقی و تعالی معنوی است. نوشتار حاضر موضوع انفاق را از منظری فراتر از کارکردهای صرفاً اقتصادی یا اجتماعی بررسی کرده و نشان داده که این عمل، پلی میان زندگی فردی و اجتماعی انسان مسلمان است؛ پلی که عبور از آن، به رضای الهی و تقرب به او منتهی می‌شود.

مفهوم‌شناسی صدقه و انفاق

صدقه

صدقه از ماده صدق است. به گفته لغویان صدق به معنای تمامیت و صحت از احتمال خلاف و بر حق بودن است؛ که از جمله آن، صدق در عمل می‌باشد. یعنی عمل از جمیع جهات، تام باشد؛ مانند صدقه دادن. اعطای صحیح و تام و واجد شرایط نیز آن است که در راه خدا و خدمت به ضعیفان و برآوردن نیازهایشان و نیز مسرور کردن آنها باشد و از مصادیق اعطا، صدقه است؛ زیرا صدقه، عبارت است از بخشیدن مال واجب یا مستحب در راه خدا به فقرا و مساکین که عملی تام و صحیح است از موارد و مصادیق صدق می‌باشد.(مصطفوی، حسن،التحقیق فی کلمات القرآن،ج ۶، صص ۲۱۵ و۲۱۷؛ فخر رازی، تفسیر کبیر، ۴، ۷۸) صدقه بخششی است که مقصود از آن، ثواب بردن است نه اکرام؛ زیرا هدف، اظهار صدق بندگی است.(الخوری الشرتونی، اقرب الموارد،۳ج،ص ۱۹۰) صدقه از صدق به معنی راستی و درستی و مطابقت حرف و عمل و هماهنگی گفتار و اعتقادات و اعمال جوارحی است. به مهریه زن از این جهت صداق گفته می‌شود که گواه صدق و راستیِ اعتقاد در دوستی است.(راغب اصفهانی، المفردات، ص ۲۷۸)

انفاق

واژه انفاق از ریشه «نَ فَ ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است.(ابن منظور،لسان العرب، ج ۱۰،ص ۳۵۸؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، ج۵، ص۴۵۴) از نظر راغب، انفاق از آن رو به بخشیدن مال اطلاق می‌شود که با بخشش، به ظاهر، مال فنا و زوال می‌یابد.(مفردات، ص ۸۱۹) در اصطلاح، انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه یا بخشش کردن مال‌های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا به آن فرمان داده است، می‌باشد.(طبرسی، مجمع البیان، ج۲، ص ۵۱۵)

صدقه و انفاق در قرآن

صدقه و انفاق در قرآن کریم، اهمیت ویژه‌ای دارد. صدقه به معنای گسترده آن، مترادف با معروف می‌باشد.«معروف» در اسلام به معنای خیرخواهی، احسان و هر عملی است که شرعاً و عقلاً پسندیده باشد.(محسنی گرگانی، زکات برای همه، ص ۲۰۵) این واژه مفهوم عمیق و گسترده‌ای دارد که شامل عناوین گوناگون بخشش‌های مادی و معنوی از واجب و مستحب می‌شود. یعنی زکات، انفاق، وقف و سایر وجوه خیرات و مبرّات، از مصادیق یا معانی صدقه هستند. صدقه از «صدق» اسم فعل و کاری است که مؤمن با انجام آن، صداقت ایمانی خویش را به نمایش می‌گذارد و نشان می‌دهد که تا چه حد در ادعای ایمان و خداپرستی صادق است. انفاق نیز کاری است هماهنگ با ایفای تعهداتی که انسان مسلمان در برابر خدای خویش پذیرفته است و نشانه خداترسی و بیمناکی از حساب رستاخیز است(اکبری، غلامرضا، صدقه و نقش آن در تامین اجتماعی، ص ۳۰). صدقه در قرآن هم به معنی صدقه متداول و هم به معنی زکات به کار رفته است. در اصل، صدقه عبارت از مالی است غیر از زکات واجب؛ لکن گاهی صدقه را بر زکات نیز اطلاق می‌کنند.(التهانوی، محمدعلی، کشاف اصطلاحات الفنون والعلومج ۲،ص ۱۰۷۴) علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان می‌فرماید: صدقه، مطلق انفاق در راه خداست؛ چه واجب و چه مستحب باشد.(طباطبایی، تفسیر المیزان،ج ۲،ص ۳۹۷) بنابراین، صدقه و انفاق فی سبیل الله در گستره معنایی خود، به معنای عمل صالح و کار نیک، به هر احسان و نیکی نسبت به خود و دیگران و هر نوع خدمت به جامعه برای رضای خداوند گفته می‌شود.

اهمیت انفاق

شاید هیچ مطلبی پس از نماز به اندازه صدقه در راه خدا و بذل و بخشش اموال در عرصه فردی و اجتماعی مورد تاکید قرآن قرار نگرفته است. در بیشتر موارد، قرآن کریم اصرار بر این دارد که همگام با ذکر نماز و اقامه آن، بحث از انفاق اموال در راه خدا بکند؛ تا جایی که همراه با اقامه نماز، انفاق فی سبیل الله را مطرح می‌نماید و حتی همراه با جهاد صدقه و انفاق اموال را مورد تاکید قرار می‌دهد؛ گویا یکی از نزدیک‌ترین راه‌های رسیدن به رحمت الهی، انفاق است. بالاتر اینکه آنان که در راه خدا اموالشان را انفاق می‌کنند، در قرآن کریم تحت عنوان «صادقون؛ راستگویان» و یا «المؤمنون حقاً؛ مؤمنان راستین» یا «یَرجُونَ تِجارَةً لَن تَبُور؛ در پی رسیدن به تجارتی هستند که هرگز کسادی در آن راه ندارد»(فاطر، ۲۹) قرار می‌گیرند و پاداش این انفاق، در درجه اول چیزی جز رضایت پروردگار که از هر بهشت برینی ارزشمندتر است و در درجه دوم «جنةٌ عرضها السموات والارض» (آل عمران، ۱۳۳) نمی‌تواند باشد. در آیه کریمه سوره سبأ نیز خداوند ضمانت می‌دهد به افرادی که انفاق می‌کنند به اینکه هرچه را انفاق کردید، من جبران می‌کنم؛ حال چه با برکت در اموالتان و چه با پاداش بهتر در روز رستاخیز: «هر چیزی را در راه او انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد و جای آن را پر می‌کند؛ و او بهترین روزی دهندگان است.»(سبأ، ۳۹)

خداوند در این آیه و آیات مشابه دیگر، تضمین کرده است که اموال انفاق کنندگان را برکت بخشد و به آنها در دنیا و آخرت از روزی‌های حلال افزونی دهد؛ مشروط بر اینکه در راه خدا باشد و به خاطر اغراض و انگیزه‌های دنیوی و مادی انفاق نکرده باشد؛ حال چه این انفاق، برای رفع حاجت مستمندان و یتیمان و بیچارگان باشد و یا اینکه در راه‌های اجتماعی که ثمره‌اش عاید یک گروه و یک قوم و یک ملت شود و صدقه جاریه‌ای باشد مانند ساختن مدرسه‌ها و بیمارستان‌ها و مساجد و تکایا و درمانگاه‌ها و مراکز عمومی و صدها مورد دیگر که نه تنها حاجت یک فرد یا یک خانواده را برآورده می‌کند، بلکه نیاز عمومی را مرتفع می‌سازد؛ اینجاست که آن مال، فزونی می‌یابد: «مانند یک دانه گندم که هفت خوشه بدهد و در هر خوشه‌ای صد دانه گندم باشد.»(بقره، ۲۶۱) جالب اینجاست که در آیات متعددی، خداوند به صدقه دهندگان و انفاق کنندگان بشارت می‌دهد که از انفاق کردن هراس نداشته باشید؛ چرا که آنها را نادیده نخواهد گرفت و به بهترین وجهی جبران خواهد کرد و ظلمی به شما نخواهد شد. از جمله می‌فرماید:«و آنچه از خوبی‌ها و اموال انفاق می‌کنید، برای خودتان است؛ (ولی) جز برای رضای خدا انفاق نکنید. و آنچه از خوبی‌ها انفاق می‌کنید، (پاداش آن) به طور کامل به شما داده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد.»(بقره، ۲۷۲)

قرآن کریم، صدقه را از اوصاف مؤمنان حقیقی دانسته است:«و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (آری) مؤمنان حقیقی آنها هستند.»(انفال، ۳ و ۴) همچنین صدقه از ویژگی‌های اهل تقوا است: «... برای پرهیزکاران آماده شده است؛ همان‌ها که در توانگری و تنگدستی انفاق می‌کنند.»(آل عمران، ۱۳۳ و ۱۳۴) و نیز از فضائل فروتنان درگاه الهی است: «... و بشارت ده متواضعان و تسلیم شوندگان را. همان‌ها که... و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.»(حج، ۳۴ و ۳۵) همچنین صدقه، رکن برّ و نیکی است: «هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست می‌دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.»(آل عمران، ۹۲) و نیز راه رستگاری است: « پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن. این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارانند.»(روم، ۳۸) اهمیت صدقه، از فرمان الهی به انفاق، پیش از آمدن قیامت که روز شدت نیاز است و اسباب دنیایی نیز در آن روز، کارساز نیست به دست می‌آید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است(تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید) و نه دوستی(و رفاقت‌های مادی سودی دارد) و نه شفاعت.»(بقره، ۲۵۴) و نیز از مهلت خواستن عده‌ای هنگام مرگ، برای صدقه دادن، اهمیت آن و دیگران می‌رسد، حسابی ویژه باز شده است.(دهقان، اکبر، زکات در اسلام، ص ۱۲۵) به عنوان نمونه، بسیاری از کارهای خوب و ممدوح همچون برخورد اسلامی با ارباب رجوع یا رفع کدورت و تیرگی دو فامیل یا دو رفیق یا زن و شوهر با موعظه و نصیحت و... در حکم صدقه است.(زکات برای همه، ص ۲۰۵) برخی مصادیق صدقه در روایات عبارتند از:

۱. هرکار نیک(تمیمی آمدی، غررالحکم، ج۱، ص۵۰۷) ۲. آشتی دادن دیگران(پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۷۷) ۳.کمک به ضعیفان(مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸،ص ۳۲۶) ۴. عیادت مریض(همان،ج ۹۶،ص ۱۸۲) ۵. نشان دادن راه(همان) ۶.آب دادن به تشنه(همان، ۱۷۲) ۷. اصلاح‌گری میان بستگان (همان،ج ۷۶،ص ۴۴) ۸.گفتار نیک(همان،ج ۸۳،ص ۳۶۹) و...

امام صادق(ع) فرمود: «برای شیطان هیچ چیز از صدقه دادن مؤمن سنگین‌تر نیست و صدقه قبل از آنکه به دست بنده برسد، در دست پروردگار متعال قرار می گیرد.»(حرعاملی، وسائل الشیعه،ج ۹، ص ۴۰۶) رسول خدا (صلی الله علیه و آله)به اصحابش فرمود: آیا می‌خواهید به شما خبر دهم از کاری که اگر آن را انجام دهید، شیطان از شما دور می‌شود، همان‌گونه که مشرق از مغرب دور است؟ عرض کردند: آری! فرمود: روزه، رویش را سیاه می‌کند و صدقه، کمرش را می‌شکند.(صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، الأمالی، ص ۳۷) در سیره معصومان(ع) تأکید فراوان بر صدقه و انفاق شده است؛ آنان با گفتار و کردار خویش مؤمنان را به بخشندگی فرا می‌خواندند و خود نیز در اوج ایثار، یاریگر نیازمندان بودند؛ به عنوان نمونه ابن عباس می‌گوید: حضرت امام حسن و امام حسین(ع) بیمار شده بودند. رسول خدا (ص)با عده‌ای از اصحاب به عیادت آمدند و فرمودند: « یا علی! اگر برای فرزندانت نذر کنی، امید شفا از برای آنان می‌یابی.» از همین رو، امیرالمؤمنین(ع) و صدیقه طاهره (س)نذر کردند که سه روز، روزه بدارند و فضه خادمه و حسنین(ع)نیز در این روزه داری با آنان همراه شدند.

چون خداوند منان امام حسن و امام حسین(ع) را شفا داد، آنان به نذر خویش وفا کردند؛ در اولین روز ادای نذر، این خانواده گرامی طعامی برای افطار نداشتند. پس حضرت علی(ع) سه صاع جو قرض کردند و حضرت زهرا (س) و فضه، یک صاع آن را آرد کردند و از آن آرد، نان پختند. در همان شب مسکینی بر آنها وارد شد و اظهار گرسنگی کرد. بزرگواران غذای خود را به مسکین دادند و با آب افطار کردند. روز بعد در موقع افطار یتیمی از اولاد مهاجرین به در خانه آنها آمد و قدری طعام خواست. بنابراین، افطار شب دوم را هم به او دادند و خود گرسنه ماندند. روز سوم موقع افطار، اسیری در خانه آنها را به صدا درآورد و طلب غذا کرد. حضرت علی(ع) و خانواده‌اش از راه ایثار، او را مقدم بر خود داشته، طعامشان را به آن اسیر دادند و خود گرسنه ماندند و تنها با آب افطار کردند. روز چهارم به حالت ضعف مفرط نزد پیامبر رفتند. حضرت که آنها را بدان وضع دید، به‌گریه افتاد و خداوند آیات سوره هل اتی را درباره آنان نازل کرد.(زمخشری، تفسیر کشاف،ج ۴،ص ۱۶۹) در آنجا خداوند می‌فرماید: «آنها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند (و می‌گویند): ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداشی و تشکری از شما نمی‌خواهیم.»(انسان، ۷-۹) مرحوم علامه امینی در بحث استناد روایت ابن عباس درباره شأن نزول آیات ابرار، چنین بیان می‌کند:این روایت مورد تایید و تصدیق پیشوایان علمی و عموم مسلمین است و در ادامه نام بیش از سی نفر از دانشمندان که این روایت را نقل کرده‌اند، ذکر می‌کند. (امینی،عبدالحسین، الغدیر،ج ۳،صص ۱۰۷- ۱۱۱). ابن شهرآشوب از امام صادق(ع) روایت کرده که:امام حسن(ع) ۲۵ مرتبه از مدینه به حج رفت و سه مرتبه مالش را در راه خدا قسمت کرد؛ نصف آن را خود برمی‌داشت و نصف دیگر را به بیچارگان می‌داد.(ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۴، ص ۱۴) و هنگامی که یکی از بادیه‌نشینان نزد آن حضرت آمد، فرمود:هر چه در صندوق است به او بدهید و در آن صندوق بیست‌هزار دینار بود که همه را به او دادند. بادیه‌نشین گفت:مولای من! نگذاشتی نیازم را بگویم و زبان به ستایش باز کنم! امام حسن(ع) [این اشعار را] سرود: ما مردمی هستیم که بخشش ما [همچون] مروارید و برلیان نابی است که در آن، امید و آرزوها [ی نیازمندان] خوش می‌خرامند. وجود [و دستان] ما پیش از درخواست [ایشان] بخشش می‌کند، تا مبادا آبروی کسی که سؤال می‌کند، بریزد. اگر دریا برتری عطای ما را بداند، پس از لبریزی [و سرکشی] خود، از شرم پس رود [و فرو شود]. (جمعی از نویسندگان، دانشنامه امام حسن(ع)،ج ۱، ص ۱۳۲)

آثار صدقه و انفاق

از برترین و مؤثرترین راه‌های تقرب به خداوند، صدقه و انفاق است که دل را صفا می‌بخشد و انسان را به رحمت الهی نزدیک‌تر می‌کند. انسان مؤمن همواره در جست‌وجوی راه‌هایی است که او را به خدای متعال نزدیک‌تر کند. اگرچه عبادات فردی همچون نماز، روزه و دعا نقش انکارناپذیری در این مسیر دارند، اما آموزه‌های قرآن و روایات نشان می‌دهند که خدمت به خلق و گشودن گره از کار دیگران نیز از مهم‌ترین مصادیق عبادت و راهی مطمئن برای رسیدن به قرب الهی است. صدقه علاوه‌بر تأمین نیازهای مادی محرومان، موجب تزکیه نفس، جلب رحمت الهی و پرورش فضائل اخلاقی در انسان می‌شود. از این رو می‌توان گفت که این عمل، حلقه پیوند میان «عبادت فردی» و «مسئولیت اجتماعی» بوده و جایگاهی ویژه در سیر معنوی انسان دارد. ابن شهرآشوب ـ به نقل از محمد بن صمه، از پدرش، از عمویش ـ می‌نویسد: مردی را در مدینه دیدم که کیسه‌ای بر پشت و سینی‌ای در دست داشت و می‌گفت: «پروردگارا! ای دوست مؤمنان، خدای مؤمنان و پناهنده مؤمنان! امشب هدیه مرا به درگاهت بپذیر. جز آنچه در سینی‌ام هست و آنچه پوشیده‌ام، چیزی را مالک نیستم و تو خود می‌دانی که با همه نیازم، خود را به‌خاطر تقرب به تو، از آن محروم کردم. پروردگارا! رویم را بر زمین مزن و دعایم را رد مکن.» نزدیک وی آمدم و او را شناختم. دیدم علی بن ابی‌طالب(ع) است. نزد مردی رفت و او را سیر کرد.(ابن شهرآشوب، المناقب،۲، ۷۶) امام علی(ع) فرمود: «الصَّدَقَةُ أفضلُ القربِ؛ صدقه برترین چیزی است که موجب تقرب و نزدیکی انسان به خدا می شود.»(غررالحکم،ج ۱،ص ۲۸) در معنای «صدقه» تقرب و نزدیکی به خداوند و جلب رضای او نهفته است.(صدقه در قرآن،ص ۱۷۹) در این‌جا به دو مورد از مهم‌ترین آثار معنوی صدقه و انفاق در تقرب به خدا اشاره می‌شود.

الف) تقویت ایمان و خلوص نیت

صدقه و انفاق به عنوان عمل صالح، نقشی مؤثر در تقویت ایمان و استواری روح دارد و زمانی ارزشمند می‌شود که برای رضای خداوند و بدون چشمداشت دنیوی انجام گیرد. این عمل، تمرینی برای اخلاص در نیت است و انسان را از آلودگی‌های ریا و خودنمایی می‌رهاند. چنین خلوصی، روح را شفاف‌تر کرده و زمینه نزدیکی به خداوند را فراهم می‌آورد. خداوند در آیه شریفه: «(کار) کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و تثبیت (ملکات انسانی در) روح خود، انفاق می‌کنند..... و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست.»(بقره، ۲۶۵)؛ انگیزه‌های انفاق صحیح و الهی را بیان می‌کند و آن دو چیز است:» طلب خشنودی خدا» و» تقویت روح ایمان و ایجاد آرامش در دل و جان» این جمله می‌گوید: انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها به خاطر خشنودی خدا و پرورش فضائل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتی‌هایی که بر اثر احساس مسئولیت در برابر محرومان در وجدان آنها پیدا می‌شود اقدام به انفاق می‌کنند و هشداری است به همه کسانی که می‌خواهند عمل نیکی انجام دهند که مراقب باشند کوچک‌ترین آلودگی از نظر نیت یا طرز کار پیدا نکنند، زیرا خداوند کاملا مراقب اعمال آنها است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه،ج ۲،ص ۳۲۷) بنابراین انفاق و صدقه باید توأم با خلوص نیت باشد. امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرمایند: «سُوسُوا إیمَانَکُمْ بِالصَّدَقَةِ...؛ ایمانتان را با صدقه حفظ کنید...»(سید رضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۶) تأثیر صدقه در حفظ ایمان از این نظر است که علاقه انسان به مال بیش از هر چیز است؛ بسیارند کسانی که در اعمال و عبادات ظاهری قهرمان میدان‌اند؛ اما هنگامی که پای مسائل مالی به میان می‌آید می‌لنگند. به همین دلیل پرداختن صدقه و چشم‌پوشی از مال مخصوصاً اگر به صورت عادت روزانه انسان درآید در تقویت ایمان بسیار مؤثر است و شاید به دلیل اهمیت صدقات و انفاق در راه خدا، در قرآن مجید بذل مال در کنار بذل جان قرار گرفته و می‌فرماید: «خدا از مؤمنان جانها و مالهایشان را خرید، تا بهشت از آنان باشد.»(توبه، ۱۱۱) (مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین،ج ۱۳،ص ۱۸۳)

در قرآن کریم با توجه به صدقه اهل بیت(ع)، بنابر شواهد موجود در آیات «هل اتی»(انسان، ۷-۹)، انگیزه اصلی آنان در انفاق کردن محبت و دوستی خدا و در جایگاه بعد، دوستی بندگان خدا بوده است. لذا در راه یگانه دوستِ بی‌همتا، آنچه را با دشواری فراهم کرده بودند، تقدیم کردند. درس‌های گوناگونی در این رفتار و منش انسانی و معنوی نهفته است که مهم‌ترین آنها شیوه اطعام و صدقه به نیازمندان است. در این الگو، اولین قدم برای انفاق، نیت دوستی و اطاعت فرمان خداست. به این ترتیب، فرد نیکوکار چشمداشتی به عنایت و سپاس فرد نیازمند ندارد و پاداش عمل خداپسندانه‌اش را در رضای پروردگار می‌داند.(مرکز پژوهش و تحقیقات دفتر بررسی‌های اسلامی، فاطمه زهرا (س) اسطوره شگرف طهارت، ۷۲) و این نشان‌دهنده اخلاص ایشان است.

ب) جلب رحمت و رضایت خداوند

از مهم‌ترین و ضروری‌ترین راه‌های جلب رحمت و رضایت خداوند، صدقه و انفاق است که در پرتو آن، تقرب الهی حاصل می‌شود و در آیات متعددی، خداوند محبت و رضایت خویش را به اهل صدقه و انفاق وعده داده است.اما لازمه چنین انفاقی این است که از دوست داشتنی‌ها انفاق شود. آیه ۹۲ سوره آل‌عمران نیکوکار واقعی را کسی می‌داند که از آنچه دوست دارد انفاق کند.(تفسیر نمونه،ج ۳،ص ۲) طبق این آیه، انفاق باید از بهترین دارایی‌ها باشد تا انفاق‌کننده به نهایت نیکوکاری برسد.(مکارم شیرازی، والاترین بندگان،ص ۱۳۸) در تفسیر منهج الصادقین آمده است که انسان هرگز به حقیقت نیکویی، که کمال خیر است و به رحمت و رضای خداوند و بهشت نمی‌رسد، مگر آنکه از آنچه دوست دارد انفاق کند.(کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله، منهج الصادقین،ج ۲،ص ۲۶۷). برخی مفسران در ذیل این آیه به انفاق حضرت زهرا (س)در شب عروسی اشاره کرده‌اند.(قرائتی،محسن، تفسیر نور،ج ۱،ص ۵۶۲). پیامبر اسلام برای حضرت زهرا لباسی نو خریدند تا در شب عروسی بپوشند، حضرت زهرا نیز چنین کردند. پس از پایان مراسم، فقیری به خانه آنان آمد و طلب غذا و لباسی برای پوشیدن کرد. آن حضرت لباسی که در عروسی پوشیده بود را به فقیر داد و آیه «لَنْ تَنالُوا الْبِرّ حَتّی تُنْفِقُوا مِمّا تُحِبّونَ» را قرائت کرد.(شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق،ص ۴۰۱) مشهورترین احسانی که حضرت علی(ع) انجام دادند و آیه ولایت در شأن ایشان نازل شد، صدقه دادن در حال رکوع بود: «إنّما وَلِیّکُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالّذینَ آمَنُوا الّذینَ یُقیمُونَ الصّلاةَ وَ یُؤْتُونَ الزّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ»(مائده، ۵۵). مسلمانان اتفاق نظر دارند که این آیه، درباره علی(ع)، هنگامی که در حال رکوع صدقه داد، نازل شده است. در این باره بین مفسران اختلاف نظری وجود ندارد.(ابن شهرآشوب، المناقب،ج ۳،ص ۲) امیرمؤمنان علی(ع) می‌فرمایند: «اَلصَّدَقَةُ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَةَ؛ صدقه، رحمت [الهی] را فرود می آورد.»(تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم،ج ۱،ص ۳۹۵).

نتیجه‌گیری

بررسی ابعاد گوناگون صدقه و انفاق در متون قرآنی، روایی و سیره معصومان(ع)نشان می‌دهد که این دو مفهوم، فراتر از کمک‌های مالی صرف، مجموعه‌ای از رفتارهای نیکوکارانه اعم از انفاق، گذشت، خدمت به دیگران و نیکی در روابط انسانی را در بر می‌گیرد. صدقه و انفاق علاوه بر تأمین نیازهای مادی جامعه، در تقویت ایمان و خلوص نیت، جلب رحمت و رضایت خداوند، و نهایتاً فراهم‌سازی زمینه تقرب به خداوند نقشی اساسی دارند. از این منظر، می‌توان این عمل را حلقه‌ای میان «عبادت فردی» و «مسئولیت اجتماعی» دانست که جایگاهی ممتاز در مسیر تعالی انسان مسلمان دارد. صدقه و انفاق نه‌تنها ابزاری کارآمد برای کاهش مشکلات اجتماعی و اقتصادی است، بلکه راهبردی معنوی برای دستیابی به قرب الهی محسوب می‌شود. تقویت این فرهنگ می‌تواند به انسجام اجتماعی، افزایش سرمایه معنوی، ارتقای سبک زندگی اسلامی و در نهایت تحقق جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و معنویت بینجامد.

در تفسیر منهج الصادقین آمده است که انسان هرگز به حقیقت نیکویی، که کمال خیر است و به رحمت و رضای خداوند و بهشت نمی‌رسد مگر آنکه از آنچه دوست دارد انفاق کند.

شاید هیچ مطلبی پس از نماز به اندازه صدقه در راه خدا و بذل و بخشش اموال در عرصه فردی و اجتماعی مورد تاکید قرآن قرار نگرفته است. در بیشتر موارد قرآن کریم اصرار بر این دارد که همگام با ذکر نماز و اقامه آن، بحث از انفاق اموال در راه خدا بکند؛ تا جایی که همراه با اقامه نماز، انفاق فی سبیل الله را مطرح می‌نماید و حتی همراه با جهاد صدقه و انفاق اموال را مورد تاکید قرار می‌دهد گویا یکی از نزدیک‌ترین راه‌های رسیدن به رحمت الهی، انفاق است.

ابن‌شهرآشوب از امام صادق(ع) روایت کرده است که: امام حسن(ع) ۲۵ مرتبه از مدینه به حج رفت و سه مرتبه مالش را در راه خدا قسمت کرد؛ نصف آن را خود برمی‌داشت و نصف دیگر را به بیچارگان می‌داد.

اهمیت صدقه، از فرمان الهی به انفاق، پیش از آمدن قیامت که روز شدت نیاز است و اسباب دنیایی نیز در آن روز، کارساز نیست به دست می آید چنانکه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید؛ پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است(تا بتوانید سعادت و نجات از کیفر را برای خود خریداری کنید) و نه دوستی (و رفاقت‌های مادی سودی دارد) و نه شفاعت.» و نیز از مهلت خواستن عده‌ای هنگام مرگ، برای صدقه دادن، اهمیت آن فهمیده می‌شود: « از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگارا! چرا (مرگِ) مرا مدت کمی به تاخیر نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم.؟!

چراغ راه

ضرورت احیای عدالت

قال الامام علی(ع): «خیر الملوک من امات الجور و احیی العدل».

امام علی(ع) فرمود: بهترین فرمانروا کسی است که ظلم را از بین ببرد و عدالت را زنده کند.[1]

۱- غررالحکم، ج۳، ص ۴۳۱، ح۵۰۰۵

حکایت خوبان

محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند

امام صادق(ع) می‌فرماید: روز قیامت تمثالی با مؤمن همراه می‌شود که در مقابل او راه می‌رود و هرگاه مؤمن از هراس‌های روز قیامت بترسد، تمثال به او می‌گوید: نترس و غم مخور، تو را مژده باد به شادی و بخشندگی خداوند. خداوند نیز به آسانی از او حساب می‌کشد و به سوی بهشت رهسپار می‌کند. در این هنگام مؤمن به آن تمثال می‌گوید: تو چه همراه خوبی بودی که از گور همراه من درآمدی و همواره مرا به شادی و بخشندگی خداوند مژده دادی تا آن را دیدم! تو کیستی؟ تمثال پاسخ می‌دهد: من آن شادمانی هستم که در دنیا به برادر مؤمنت رساندی. خداوند مرا از آن شادی آفرید تا تو را مژده دهم. امام صادق(ع) فرمودند: محبوبت‌ترین اعمال نزد خداوند شاد کردن دل مؤمن است که از مصادیق آن: سیر کردن او از گرسنگی، رفع گرفتاری و یا پرداخت بدهی او است.[1]

۱- اصول کافی، ج۲، ص۲۷۳

پرسش و پاسخ

بسترها و شرایط تأثیرگذاری جنگ نرم(۵)

پرسش:

چه عوامل، بسترها و شرایطی موجب می‌شود جنگ نرم دشمنان تاثیرگذار بوده و به اهداف موردنظر خود برسند؟

پاسخ:

در چهار بخش قبلی پاسخ به این سوال به مباحثی همچون:

۱- ضعف باورها و سستی ایمان ۲- ضعف نفس (تن‌پروری، تنبلی و افسارگسیختگی) ۳- تعصب، قبیله‌گرایی و نژادپرستی ۴- حرام‌خواری و درآمدهای نامشروع ۵- ناهنجاری‌های اخلاقی ۶- تحجر و جمود فکری ۷- تحزب و فرقه‌گرایی پرداختیم.

اینک در ادامه دنباله مطلب را پی می‌گیریم.

قبح تحزب و فرقه‌گرایی در قرآن

قرآن‌کریم در آیاتی به راه و رسم تحزب، فرقه‌گرایی و جمود فکری باطل آنان پرداخته که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- خداوند می‌فرماید: «(گروهی از پیروان ناآگاه پیامبران) کار خود را در میان خویش به پراکندگی کشاندند و هر گروهی به راهی رفتند، هر گروه به آنچه نزد خود دارند خوشحالند! آنها را در جهل و غفلتشان بگذار تا زمانی (که مرگشان فرارسد یا گرفتار عذاب الهی شوند)» (مؤمنون، ص ۵۳ و ۵۴) این آیات یک حقیقت مهم روانی و اجتماعی را بازگو می‌کند و آن تعصب جاهلانه احزاب معاند و گروه‌ها است که هریک راه و روش و آئینی خاص را برای خود برگزیده و دریچه مغز و اندیشه خود را به روی هر سخن دیگری بسته‌اند و اجازه نمی‌دهند شعاع تازه‌ای به مغز آنها بتابد و حقیقت را بر آنها روشن سازد. این حالت که از خودخواهی انسان نشأت می‌گیرد، بیشترین تاثیر را در از بین بردن وحدت و یکپارچگی امت‌ها دارد.

۲- خداوند می‌فرماید: «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده‌ایم، از آنچه بر تو نازل شده است خوشحالند، و بعضی از احزاب (و گروه‌های معاند) قسمتی از آن را انکار می‌کنند.» (رعد-۳۶) این آیه شریفه به واکنش متفاوت مردم در برابر نزول قرآن اشاره دارد. افراد حقیقت‌جو و حق‌طلب در برابر آنچه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده، تسلیم و خوشحالند، ولی احزاب و گروه‌های معاند و لجوج در برابر آیات الهی به مخالفت برمی‌خیزند و کلام خدا را انکار می‌کنند (ومن الاحزاب من ینکر بعضه) انکار آنان به این دلیل است که تنها خط و ربط گروهی و حزبی خود را دنبال می‌کنند و آنچه با آرمان و ذوق و سلیقه و پیش‌داوری‌هایشان هماهنگ نباشد منکر می‌شوند.

در تاریخ اسلام فرقه‌گرایی و تحزب ضربه‌های سنگینی به اسلام ناب زده و راه‌های تاثیرگذاری و نفوذ دشمنان اسلام را در عرصه جنگ نرم هموار ساخته است.

۸- کینه‌ورزی و انتقام‌جویی

کینه‌ورزی و حس انتقام‌جویی، زمینه و بستر دیگری است که دشمنان اسلام را به مصاف علنی و آشکار در عرصه جنگ نرم و سخت کشانده است. بسیاری از نبردها ریشه در اشباع حس انتقام‌جویی، تلافی، رهایی از بن‌بست فکری و التیام‌بخشیدن به درون ملتهب افراد دارد. دشمنان اسلام نیز که بارها از اسلام ناب سیلی خورده و منافع و حیثیت خود را بر باد رفته می‌بینند با اندیشه گرفتن انتقام، پا به عرصه جنگ نرم یا سخت می‌گذارند، تا اگر به اهداف و مقصود خود نرسیدند، حداقل درون ملتهب و قلب مجروح خود را التیام بخشند. آری شیطان نخستین موجودی است که با حس انتقام‌جویی پا به عرصه جنگ نرم گذاشت و به دلیل رانده شدن از درگاه الهی و دور شدن از رحمت ایزدی، برای گرفتن انتقام از خداوند، کمر همت به گمراه ساختن بندگان خدا بست و به خدا گفت: «پروردگارا! چون من را گمراه ساختی، من(نعمت‌های مادی را) در روی زمین در نظر آنان زینت می‌دهم و همگی را گمراه خواهم ساخت.» (حجر- ۳۹)

بدیهی است که خداوند هرگز شیطان را گمراه نساخته بود، بلکه این گمراهی نتیجه نافرمانی او از دستور الهی سجده بر حضرت آدم بود و شیطان برای اینکه خود را تبرئه کند